

میکوئیم

فراموش نمیکند یکی از رفقا چند روز قبل بنام میکوت مرقومات نو پاس آوارست

این کوه تهر پرات این اردوی مرک و نهایی حسن و امید را میباید جنبه پاس و نوپیدی را زیاد میکند این تهر پرات بدست زیرا ما برای زندگی آمدیم پس برای زندگانی خلق شده ایم

من تکذیب میکنم - من قبول ندارم ایرانی برای مردن خلق شده است

ایرانی اسیر ما - میرد ایرانی باید در دنیا نباید ایرانی اگر دنیا آمد لااقل باید خارج ایران در بلاد دور دیت زندگی کرده باسم ایران و ارا ثبت دلخوش و سرافراز باشد

ایرانی باید در سایر ممالک دنیا وطن جنبه گشت و تجارت آزاد بفلاحت و رفاه که هیچکدام در وطن خود وجود ندارد اشتغال میدهد سپروس و داریوش و برجیگی تاریخ ایران مفتخر باشد

جمعیت ایران - سی کرور نفرین ردد است بمقدار من ۲۹ کرور و چهارصد هزار نفر آن باید بمقدار با مهاجرت ردد در ممالک آزاد گذران کنند

و این مالک را بان یکصد هزار نفر صاحب خانه بخود کاران و اسرار نماید یا ...

این زب انوع ها حاضر نمیشد اجاره نشینان طبیبی ها برای آنها سرخر باشند آری اشخاص بدبخت باید براند در خارج خوش بخت گردند

برای نمونه و اثبات مدعایم من بی اخبار و خواهی شرح سابقه ملک واحد است فرج بخشی دیرینه و حالات جگر خراش کنونی و تهر کنی امروزی من میادرت کند قام من میخواهد حالت پاس مرا از روی احساسات جلوه دهد

قام میخواهد بفرماید من در اندر تهر میخواهم بپرسم که من باب دلخواه و جهالت این است میخواهم بدقت بخواند بمطرافه ملاحظه کنید آنوقت بمن حق خواهد داد

من بیکر ایرانی هستم که در خارج از محیط ایران نشو و نما کرده و بیکه معبود قلبی خود را ایران میدانم من بیاد ما و استقلال ایران بخواب رفته و بهمان آرزوی مقدس سراز خواب برده و در این آرزو خود را خوش بخت تصور میکنم

من وطن مقدس خود را رب النوع عشق تصور کرده و مثل یک عاشق دلخواه این بوب فانی را پریشان میکنم من تاج انتظار برای ثبت را بفرق خود جای داده و برمال عالم میاهات و بر آری میکنم

من مانند فرهاد کوه کن برای زیارت شهرین وطن برای دیدن ایران قطرات تشک از دیدگان رفته بحالت مد هوشی

بخواب رفته وطن خود را در خواب زیارت میکنم

من قبل داشتم همیشه بخواب و در آغوش مادر طیبی خود خوشوقت باشم و از این جهت خواب را برپیداری ترجیح میدادم

من ایران را مهد تربیت سپروس داریوش جمشید نوشیروان و باناخره شاه اسمعیل و قادر میخواختم

من ایران را مربی ابوعلی - مهدی - رودی نظامی - فردوسی - شناخته بودم

من آرزو داشتم وطن این فلاسفه بزرگ و این اشخاصی بر حلقه تاریخی را زیارت کنم

من قبل داشتم خاک ایران را مانند سره بششم کشیده و این مادر را بر زمین وار ستایم و سجده کنم

من میخواختم بی زیارت ایران ، بخدمت کردن وطن عزیز خود پس هزار خوش بختی ناقل شوم و همه چیز را از ایران میخواختم

ایران مرا از زن فرزند بپزایی داده عیوانه وار از هر کس دهر چیز رو تافته سر از پا شناخته - با ایران شتافتم

من وقتی که بخاک ایران رسیدم مانند یک عاشق و دلخواهی اظهار سجده افتاده و خاک وطن را با سرشک دیده کان آب یاری کرده و طافای محبت آنرا بوقلمد دماغ دل را به آن راجحه تنفی و تسلی دادم

افسوس این آرزو ها جز خیال خام جنون و ما خولیا جز بگری نبود

راستی این بسنه کنی و اتفاق من خدای شیه بود بان هوس مقرب که مرض تب دار بخورن سرکه داشته باشد

اشتیاق من بدیدار وطن بسیار شبات داشت بان هوس که طفل ساده لوح بهزدیکی نمودن لانه زنبور و گرفتن زنبور داشته باشد

نه فقط اشراق این مملکت به ظلم مهدی تجاوز نمود و ارتکاب بر ذائق اخلاق عادت گرداند

باکه عدم طبقات این وطن عزیز باین اخلاق بد ملخا میفتند

مثلا بین هیچک از طبقات این مملکت صمیمیت و رفقت را سنی امانت وجود ندارد

باین واسطه همیشه عامه سکنه ایران آلت اجرای اغراض خارجی ها گردیده در افقای جان و مال و همه چیز یکدیگر میکوشند

و بواسطه عدم صمیمیت طبقه - هم و چهارم همیشه در شکل بالاد طبقات اول و دوم - میرند افسوس اوراق یکروزنامه برای شرح مطالبات من کافی نیست امید است در امرات آتی به مختصری از مطالبات خود و مقدمات اصلاح اخلاق عمومی را بطور صحیح بنویسم

سید محمد تقی بهبهانی

ژانر فانتزی

مورخه ۲۵ تیر ۱۳۲۳

چهارمین طایان

دیروز بعد از ظهر از طرف جمهوری طایان در دویان یک حلقه مرتبای بر عمارات دولتی بمثل آمده است و از جانب آنها مجامع آتی برای سوزاندن کلبه انبه من بوزه ظاهر گردید

خبریک بعد واصل شده است اشعار می دارد است سر بق بعضی از عمارات مزبوره خاموش گردیده در ضمن حلقه پلیس دو نفر دختر ۱۳ و ۱۴ ساله را که حامل صندوقهای نفت شملوک و اسلحه بوده دستگیر کرده

نوصیه جدید

در بران رسما اعلام شده است که مذاکرات بین وزارت مایه و نمایندگان بانکها باین نتیجه رسیده است که با اقامه در اشاعت سهم خزانه داری معادل دو است مایون مارک طلا شرکت جویند در این صورت بانک های مزبوره شرکتی تأسیس نموده معادل پنجم مایون دلار (گریه مقصود مارک باشد) ترتیب سهم خزانه داری بمدت سه سال و بضایات بانک دولتی بردش خواهد رسانید عقیده جرائد اقامت که دولت بدین وسیله حاضر خواهد شد یعنی مسکوک پیدا کند که برای حفظ میزان مارک نفاذت نماید

طلای رومانی

یوگوسلاوی - از مقدار طلای رومانی که در بانک دولتی آلمان امانت بسوده و معادل ۸۰ میلیون مارک طلا در خزانه معادل ۶۸ میلیون آن از طرف بانک زبوره تحویل بانک ملی رومانی داده شده و حالیه دولت رومانی قصد دارد از بانک آلمان بقیه آنرا مطالبه نماید

پیشنهاد بین المللی شدن (روه) چهار نفر از میونسپال کرانکلیسی کروز جمه و جنبه بنا حیه (روه) معافرت کرده پیشنهاد نموده اند که حکومت دول فرانسه ، آلمان ، انگلیس ، و ایطال ناحیه مزبوره را بین المللی نموده و اداره بین المللی آن ناحیه عوایدی که از نبات غرامت جمع میکنند ما بین دول نی علاقه تقسیم نماید

از یک منبع نیم رسمی این خبر اشاعت یافته است که امروز کنفرانس بین وفاقه (توتیس) - (و فنی) خاتمه یافته و تصمیم گرفته شده است که مایورین فرانسی و بلژیکی اداره راه های آهن واقع در ساحل (دن) و و را تصرف نمایند

علت برهم خوردن کنفرانس خبریکه از اخره باسلامبول واصل شده است اشعار می دارد - عصمت پاشا در تهیه امور خارجه مجلس ملی اعلام داشته که رویه غیر قابل اعتماد فرانسه را بجمع موارد اقتصادی و مالی و حیاتی قطع مذاکرات در ازان را فراهم ساخت و لی چنین دارم و فیکه دول یکدیگر که مصالح و مناقش چنین اقتضا نماید قیامی را و به خود را جرح و تعدیل خواهند نمود جرائد طایه در اخره مقالات بسیار شدید الحقی داشته و در مجلس ملی تقاضا کرده اند که مطلق تمهید قیامه مان علی گند ضامن را و به فراومه را بسخت مورد انتقاد قرار داده اند

شماره چهارشنبه

چنانچه هفته قبل ذکر شد این هفته شماره چهارشنبه ما منتشر نخواهد شد

نیل معاصر

جواب مقاله نیل معاصر مندرجه در جریده مشرقه نویمار را در شماره روز جمعه قرن بسیم بدقت بخوانید

دعوت

بناسبت مولود محمود حضرت سید الله العالی علی ابن ابیطالب و اقتصاب مخصوص فرقه دموکرات بذات مقدس آنحضرت ارواح العالین له الفداء روز جمعه ۱۳ شهر خجاری نرسه ساعت بخروب الی دوازده شب گذشته در مجمع دموکرات مجانی منعقد خواهد بود بر عروطنان هنر با قیامات انتظار دعوت میشود که در این جشن حاضر شده و اعضاء فرقا را قرن تسکین نمایند - ادرس خیابان چراغوقی خمره ۱۹ مدیر مجمع دموکرات - در افاق

شکایت از حکومت همدان

همه روزه مراسلاتی بوسیله شکایت از وفاق الدوله حکومت همدان با اداره رسیده و روز روز در فزونی و تنزاید است از قرار معلوم مشارالیه که یکی از عناصر پوسیده هستند خود را ذبحی در مداخله عموم دوائر تصور کرده و تقریبا بطور اضافات در حدود مسئولیت همیکه خارج از صلاحیت او است از قبیل مایه عدلیه و غیره مداخلات غیر قانونی کرده و دردمرا مجبور شکایت نمائید نظر بکثرت واردات اداری و ضیق صافحات در این قره از درج شکایت خود داری گردیم امید است همه آبه بدج بعضی اغما بمبادرت گردد و ضمنا اطلاعات خود را بشانه اجمال این شخص گش زد دولت تماشیم

جریده نهضت اسلام

قامه اسلامی نهضت اسلام که با اسلوب دینی و ادبی و اخلاقی جنبی است در هرگز منتشر میشود و باز داره این اداره قرن بیستم انتقال داده شده اسلامیان میخوانند از مذهبش استفاده نمایند تا دقایقه بطور یک باید و شاید یک نامه اسلامی اشاعه پیدا نماید و نموده مسلمانان کمالا علاقه مندی خود را بدان نشان نداده اند ما بنویس خود موقت کار بکنان این نامه اسلامی را از خدای متعال خواستار بود و در فقای اسلامی خود را بقرات آن جریده شریف دعوت میکنیم و نیز و وعده میدهم که در آیه نزدیک از اندر جات آن بیشتر از پیشتر استفاده حاصل نمایند

قرن بیستم

صفحه ۲۰

ثروت ملک کذا از بر و افر کشت

رانده از در بارو در حمام ها دلاک شد

قر بانای - دای تمام بام و دکان و خانه و کاروا فترا را از سودا و را نور بطور بیرون کردی

حمال - (آهسته شروع رفتن میکند) آ ای بان من میخواستم بکنند

دفع خشکی کم تو بیشتر درد دل مرا افزوده کردی

دروا خارج میشود در حین فرافانی دست برده یک اشباب حمال را می دزد -

قران علی - (بار حمال را که دزدید بخود نشان داد و می گوید)

لا این هم چیزی که ما می

بیه گدا - مرا بشتاب ؟

قران علی - ما با هم اینت چادر را از کجا آوردی از نقاش چه

در آورده بگویم

بیه گدا - (یک دار رنگ آمیزی را از نقاش گرفته و بعضی اشباب در دوا دانه میدهند و دار رنگ آمیزی این اشباب چادرها و مقداری پول

قران علی - (اشباب را میکشد و لی چادر را نمیگیرد) پول ها را بده

بیه گدا - پول ها را برای خودم میبراهم

دېدگان دېخه به حال مد هوشی